

«سوفطائون» و شکاکان مسلمان

عبدالله فرهی *

چکیده

شکّ یکی از مهمترین محصولات دوره گذار بود که در قلمرو مسلمانان بشکل جنبشی فکری با عنوان سوفسطائیان ظهور یافت. «سوفسطائون» یا عبارت دیگر، شکاکان مسلمان با پیشگامی فردی بنام صالح بن عبدالقدّوس، گروهی بودند بزعم شماری از متکلمان مسلمان متشکل از «عناده»، «عندیه» و «لادریه» که همچون سوفیستها و شکاکان یونان و هند، نه بعنوان یک مکتب که بیشتر بعنوان یک جنبش یا یک جریان فکری در درون تمدن مسلمانان ظهور یافتند. آنها نه تنها برای «ذهن» که برای «عین» هم حقیقت و اصالتی قائل نبودند و چیزها در نظر ایشان تنها از وجودی خیالی، وهمی و حدسی برخوردار بود. برخورد قاطعانه متکلمان، بویژه معتزلیها، فلاسفه طبیعی و منطقی و متفکران صوفی مسلک برجسته‌یی همچون غزالی با این جریان موجب شد که این گروه بسرعت از بین برود و نام چندانی از آثار و پیروان این جریان فکری در تاریخ باقی نماند. البته شکاکان مسلمان هم با

* استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی؛ farrahi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۶۲/۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۵



ایجاد تردید نسبت به معارف مأخوذ از «حسیات» و «عقلیات» در جلب توجه اندیشمندان مسلمان به معرفت حضوری بجای حصولی و گرایش آنها به عرفان و تصوف بجای علم و فلسفه بیتأثیر نبودند.

کلیدواژه‌ها: سوفسطائیان، شکاکان، صوفیان، متکلمان، فلاسفه، صالح بن عبدالقدوس

* * *

مقدمه

«شک» واژه‌ی عربی است در پیوند با «شبهه» و «ریب» که احتمالاً ریشه آن را بتوان در «اسکپتیکیُس»^۱ در زبان یونانی، «سَکّی»^۲ به معنای «امید داشتن» در زبان سریانی، «س-ک-ک»^۳ بمعنای «پوشاندن و به هم بافتن»، «س-خ»^۴ بمعنای «نگریستن» (بهمراه انتظار یا نگرانی) یا «شگاگاه»^۵ بمعنای «اشتباه» در زبان عبری و بالأخره فعل «شکی»^۶ بمعنای شکایت کردن در خود زبان عربی یافت. «شک» واژه‌ی مطرود و رانده شده از تمدن مسلمانان است که به باور برخی متفکران مسلمان همچون طاعون باید از آن دوری جست و هیچ سرنوشتی برای انسان بدتر از غوطه‌وری در دریای شک نیست؛^(۱) ولی اینکه این شک در برابر «ایمان» است که باید از آن دوری جست و یا «علم» و یا چیز دیگر، چندان مشخص نیست. به‌هرحال، اغلب قریب به اتفاق اندیشمندان مسلمان از شک در برابر علم و حقیقت به «سفسطه» («سوفسطا») تعبیر کرده و آن را نه «علم» که یک «حرفه» شمرده‌اند؛ حرفه‌ی با اصالتی یونانی برگرفته از دو واژه «سوفیا» («الحکمة») یا «العلم» و «اسطس» («المموه»، «المزخرف» و یا «المغلطه») که روی هم رفته بمعنای «الحکمة المموه» (خرّد آب و تاب داده شده به شکلی دروغین)، «العلم المزخرف»

1. *skeptikos*
2. *sakkî*
3. *Š-K-K*
4. *š-kh*
5. *shegāgāh*
6. *shakâ*